

مقدمه در ترازو^۱ (مطالعه‌ای درباره اهمیت و کارکرد «مقدمات» کتب عبدالحسین زرین کوب)

چکیده:

مقدمه، دیباچه و یا پیشگفتار به منزله مجلس اُنس نویسنده و خواننده و یا درگاه ورود به متن یا بحث تلقی می‌شود که ارزش کار نویسنده را نشان می‌دهد و خواننده پس از مطالعه و تأمل در آن تصمیم می‌گیرد که کتاب مورد نظر، سودمند و خواندنی است یا بی‌فایده و ترک‌کردنی. اگرچه تا به حال، پژوهشی جدی درباره مقدمات محققان معاصر بر آثارشان انجام نشده، اما دیباچه‌ها و از جمله مقدمه‌های عبدالحسین زرین کوب بر آثارش از جوانب مختلف قابل بررسی است. در این مقدمات که کارنامه روح نویسنده محسوب می‌شود، دریایی از اطلاعات و اندیشه و آگاهی نهفته است؛ از اطلاعات ادبی مرتبط و گاه غیرمرتبط با موضوع کتاب گرفته تا برداشت‌های پراکنده در حوزه‌های علم و ادب و تاریخ و فرهنگ، روش تحقیق درست، اطلاعات مربوط به کتاب‌شناسی و همچنین روان‌شناسی شخصیت نویسنده: آرزوها و افسوس‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها، تحسین‌ها و خوارداشت‌ها، باورها و احساسات و عواطف، نومی‌ها و رنجوری‌ها و پیشنهادها و کارکردها. نگارنده در این نوشته کوشیده است با روش تحلیلی-توصیفی، ذیل پنج عنوان، به اهمیت، کارکرد و ارزش‌های بی‌شمار مقدمات آثار زرین کوب اشاره کرده، به اثبات این نکته پردازد که ارتباط مستقیمی میان «دیباچه و دانایی» برقرار است.

کلیدواژه‌ها: عبدالحسین زرین کوب، مقدمات آثار، سبک نگارش، تحقیق درست، شخصیت و اندیشه.

۱. مقدمه:

اگرچه امروز در نظر برخی خوانندگان، مقدمه (دیباچه) بخش حاشیه‌ای و پیش‌پافتاده کتاب محسوب شده، به همین دلیل، اغلب با نگاهی گذرا و اجمالی از آن عبور می‌کنند؛ اما هرگز نمی‌توان از این اساسی‌ترین بخش متن به راحتی گذشت و آن را حشو و زائد تلقی کرد. خواننده هوشیار به خوبی می‌داند که ارزش و اهمیت کار نویسنده را باید از مقدمه کتاب او بفهمد و چه بسا دیباچه‌ای چند صفحه‌ای، گاه بیش از کتابی چند صد صفحه‌ای برای وی سود و منفعت داشته باشد؛ زیرا «مقدمه، کارنامه روح و فکر نویسنده است و خواننده را به این نتیجه می‌رساند که کتاب، سودمند و خواندنی است یا بی‌فایده و ترک‌کردنی» (زرین کوب، ۱۳۳۰: ج). نویسنده توانا و نکته‌یاب، با اذعان به این عقیده «دریدا» که حاشیه (مقدمه) مهم‌تر از متن است (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۸۲)، ابتدا در مقدمه/پیشگفتار اثر خویش رخ می‌نماید و سپس در متن. او سعی می‌کند که دیباچه کتابش را به زیور دانش و جذابیت بیاراید تا خواننده، به مطالعه متن بیشتر ترغیب شود و در واقع، جذابیت مقدمه، انگیزه وی را برای ادامه و خوانش متن، مضاعف کند. گاه، می‌توان در مقدمه‌ای کوتاه و مختصر، دریایی از اطلاعات و اندیشه و آگاهی یافت؛ از روان‌شناسی شخصیت نویسنده گرفته تا انگیزه تألیف او در نگارش، آرزوها و افسوس‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها، تحسین‌ها و تقبیح‌ها، پیشنهادها و کارکردها، صداقت‌ها و شجاعت‌ها و گاه، مقدمات چند صفحه‌ای نه تنها پیش‌درآمدی بر متن محسوب نمی‌شود؛ بلکه خواننده را بسیار سریع از مطالعه متن منصرف می‌کند. آری! مقدمه بسامان و جذّاب به تعبیر «ژنت»، «پیرامتن»^۲ است؛ نه «فرومتن» (صدیقی، ۱۴۰۰: ۲۲۰)؛ خواه به ظاهر و مستقیماً شرایط و شروط هشت‌گانه تهنوی^۳ در آن رعایت شده باشد و خواه، مؤلف، مستقیماً و آگاهانه، آن آداب را در نظر نداشته باشد و به فراتر از آن برای خواننده تیزهوش و نکته‌بین معاصر بیندیشند.

عبدالحسین زرین کوب از آن دسته محققان و نویسندگانی است که مقدمات وی بر آثار محققانه‌اش، آینه‌ای است که در آن می‌توان روشنائی اندیشه، آگاهی، شخصیت، روش تحقیق و سبک نگارشی او را به وضوح مشاهده کرد و معتقد بود که او

«بهترین الگوی یک دانشمند جدی و متواضع همراه با تربیت یک محقق نستوه و پُراراده با داشتن روحیه‌ای علمی-شکّاک‌ی است» (شعبانی، ۱۳۹۹: ۲۳). ویژگی عمده مقدمات کوتاه و اغلب ایجازگونه و گاه پیچیده زرین‌کوب، بیان حقایق و مطالبی است که حاصل سال‌ها غور و تعمق وی در موضوع مورد نظر است و بدین لحاظ، می‌توان از مقدمه یک صفحه‌ای او به اندازه یک کتاب یا مقاله بهره‌برد و نکته استخراج کرد. برای نمونه، مقدمه پنج صفحه‌ای زرین‌کوب بر کتاب «شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب»، خود مقاله‌ای پژوهشی و نقد درست و بسامانی است که می‌تواند فشرده و چکیده کتابی تحقیقی محسوب شود. بعلاوه کدام خواننده نکته سنج و ژرف‌نگری است که به روان‌شناسی شخصیت نویسنده مورد نظر در مقدمه آثارش پی نبرد و فی‌المثل، «همدلی و همجوشی» وی را با مثنوی و سراینده‌اش درک نکند؟ کدام جستجوگر منصفی است - که مطابق آنچه در مقدمه‌ها آمده است - به اشتغال مداوم نویسنده به مطالعه و تحقیق و «پویه بی‌بهره» و شیفتگی وی به ادبیات فارسی و تاریخ و تاریخ ادیان و کلام و فلسفه و تصوف و سیر آراء و عقاید انسانی در مقیاس گسترده فرهنگ پیش و پس از اسلام پی نبرد؟

نگارنده در این نوشته با روش تحلیلی-توصیفی و ضمن مطالعه مقدمه تمام کتاب‌های زرین‌کوب، کوشیده است ذیل پنج عنوان کلی به اهمیت، کارکرد و ارزش‌های بی‌شمار این مقدمات اشاره کرده، به اثبات این نکته پردازد که ارتباط مستقیمی میان «دیباچه و دانایی» برقرار است و روحیه ژرف‌نگری و محققانه زرین‌کوب، ویژگی‌ها و خصلت‌های شخصی و شخصیتی، شیوه زیست و منظومه فکری، تأملات فلسفی و اغلب تراژیک، نومی‌ها و ناخرسندی‌ها، شیفتگی‌ها و علایق، روش تحقیق و کتاب‌شناسی، دغدغه فرهنگ، دقت و سخت‌کوشی، صداقت و انصاف و اخلاق‌مداری و بزرگ‌منشی، بیش از متن، در مقدمات به چشم می‌خورد و به حق، هریک از مقدمات، «کارنامه روح» نویسنده محسوب می‌شود.

۱.۱. بیان مسأله:

این پژوهش به قصد پاسخ به این سؤال اساسی شکل گرفته که مقدمات زرین‌کوب از نظر عناصر درون‌متنی و برون‌متنی، حاوی چه اطلاعات، کارکردها و ارزش‌هایی است و او چگونه توانسته است دیباچه‌های به ظاهر «فرومتن» را به «فرامتن» تبدیل کند؛ به گونه‌ای که در آن‌ها بجز اطلاعات ادبی، عرفانی، فرهنگی، تاریخی، کتاب‌شناسی و آموزشی (=روش تحقیق)، وجوه مختلف و متکثر شخصیت، خصلت‌ها و خلقیات نویسنده هم به چشم می‌خورد.

۱.۲. پیشینه تحقیق:

درباره متن آثار و یادداشت‌ها و تعلیقات زرین‌کوب، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است؛ از جمله: آذربایجانی در پایان‌نامه «فهرست توصیفی و تحلیلی یادداشت‌های عبدالحسین زرین‌کوب در کتب و مقالات» (۱۴۰۱)، به تحلیل یادداشت‌های پربار ایشان در پایان کتابهای پرداخته است. شعبانی در دو کتاب «زرین‌کوب و ادب فارسی» (۱۴۰۰) و «جهانی در خلوت تنهایی» (۱۳۹۹)، به بررسی آراء و نظریه‌های زرین‌کوب در کتب و مقالات وی پرداخته است. رستگارفسایی در مقاله «زرین‌کوب: مردی با هزاران هزار بهار» (۱۳۷۹)، با توجه به زندگی، آثار و اندیشه‌های زرین‌کوب، به ده ویژگی عمده او اشاره کرده و وی را «ادیبی تمام‌عیار» و نماینده برجسته‌ترین نسل استادان ادب فارسی معاصر معرفی کرده است (۴-۹). همچنین، دیباچه‌های متون مشهور کلاسیک از آغاز تا قرن نهم در پایان‌نامه‌های متعددی به لحاظ ساختار و محتوا و مخاطب‌شناسی، بررسی و تحلیل شده است؛ اما تاکنون درباره «مقدمه»های کتب زرین‌کوب، تحقیقی مستقل و مجزا انجام نشده و این پژوهش، برای نخستین بار به مطالعه و تحلیل این مقدمات پرداخته است.

۱.۳. ضرورت و اهمیت تحقیق:

از آنجا که مقدمه، درگاه ورود به بحث تلقی می‌شود و خواننده، نخست در مقدمه (پیشگفتار، دیباچه) با قلم و شخصیت نویسنده آشنا می‌شود، تدقیق و تأمل در آن بسیار اهمیت دارد؛ بویژه مقدمه‌ای که در آن بجز پیش‌درآمدی بر موضوع مورد بحث، بتوان به فرایند فردیت، آرزوها، امیدها، باورها و افسوس‌های نویسنده پی برد. از این رو، ضرورت مطالعه و تفکیک موضوعی مقدمات زرین‌کوب بر آثارش، بیش از پیش احساس می‌شود.

۲. بحث:

اگر همچون امرسون (Emerson)، سبک را صدای ذهن نویسنده تلقی کنیم که نهفته‌های ذهنی آدمی - حتی اگر به رغم میل او هم که باشد - در طرز بیان و شیوه سخنش جلوه می‌کند (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱ و ۲)؛ آنگاه به راحتی درمی‌یابیم که آثار نویسنده و از جمله مقدمه هر اثر - که چکیده و خلاصه آن محسوب می‌شود - در واقع از ناخودآگاه ذهنی او پرده برمی‌دارد و اندیشه، شخصیت، باورها و احساسات و عواطف نویسنده و در یک کلام، خود شخص را به نمایش می‌گذارد. این آشکارگی و عریانی شخصیت، در مقدمه‌ها و دیباچه‌هایی که محققان بر آثار خود می‌نویسند، تا حدودی بیش از متن اثر، خود را می‌نمایاند؛ زیرا نویسنده در متن، تا حدود زیادی پایبند به اصل موضوع است و تخطی و تجاوز از موضوع پژوهش را به لحاظ روش تحقیق جایز نمی‌شمرد؛ در حالی که مقدمه، مجال و آزادی عمل بیشتری به وی می‌دهد و به جز اشاراتی مختصر درباره موضوع مورد نظر، قلم و ذهن او را برای طرح موضوعات و ارائه اطلاعاتی از عقاید و افکار و ویژگی‌ها و خصلت‌های شخصی و شخصیتی خود و احیاناً دیگران بازمی‌گذارد تا جایی که می‌توان گفت هرچه ریسمانی که مقدمه و متن را به یکدیگر می‌پیوندد، نامرئی‌تر باشد و نویسنده از اشارات مستقیم درباره موضوع و توضیحات جزئی و ملال‌آور درباره فصول و بخش‌های کتاب بپرهیزد، دیباچه جذاب‌تر و خواندنی‌تر می‌شود و البته اشتیاق خواننده را به مطالعه متن، چندین برابر می‌افزاید. بنابراین دیباچه، حلقه اتصال و یا به تعبیری «مجلس انس نویسنده و خواننده»^۱ است و نگارش درست و بسامان آن، هنر و خلاقیتی است که به هیچ‌روی، از خلاقیت و دانش متن‌نگاری کمتر نیست و از هر نویسنده و محقق هم بر نمی‌آید.

عبدالحسین زرین‌کوب از آن دسته پژوهشگرانی است که با دقت نظر و روش تحقیق درست خود، مقدماتی ارزشمند بر کتب (تالیفی، ترجمه‌ای) خود نگاشته، به گونه‌ای که تأمل در این مقدمات، بسیاری از ظرایف و ظرفیت‌های شخصیتی و منظومه فکری - فرهنگی او را برای خواننده کنجکاو بازمی‌نماید. تمام کتب زرین‌کوب - بجز نوشته‌هایی که بعد از وفات او و عمدتاً به همت قمرآریان منتشر شده‌اند - دارای مقدمه‌اند و در صدر برخی از کتاب‌ها نیز بیش از یک مقدمه دیده می‌شود: کتبی چون: از کوچه رندان، ارزش میراث صوفیه، با کاروان حله، در قلمرو وجدان، سرنی و...

در نامگذاری هم، اصطلاح مشهور و جاافتاده «مقدمه» در بیشتر مقدمات زرین‌کوب به چشم می‌خورد و بجز این اصطلاح، او از واژه‌هایی چون: «یادداشت» (آشنایی با نقد ادبی، بامداد اسلام، تاریخ در ترازو و تاریخ مردم ایران)، «دیباچه» (از کوچه رندان)، «گزارشنامه» (سرنی)، «پیشگفتار» (ارسطو و فن شعر) و «چند اعتراف از نویسنده» (چاپ اول دو قرن سکوت) بهره برده است. همچنین مقدمات زرین‌کوب بر آثار خویش به لحاظ کمیّت و تعداد صفحات، متفاوت است؛ به گونه‌ای که این مقدمات از یک صفحه شروع می‌شود (= دفتر ایام، بامداد اسلام، تاریخ در ترازو و...) و گاه تا سی و هفت صفحه به طول می‌انجامد (از نی‌نامه). به طور میانگین، مقدمات، بین دو تا پنج صفحه در نوسان است و طولانی‌ترین آنها به

ترتیب در کتب: از نی‌نامه (۳۷ صفحه)، آشنایی با نقد ادبی (۱۱ صفحه)، فرار از مدرسه و سرّ نی (هرکدام ۸ صفحه) آمده‌است. جالب اینکه در مقدمات زرین‌کوب، بسیار کم به توضیحاتی دربارهٔ مندرجات و محتوای کتاب مورد نظر و بیان جزئی مطالب فصل‌ها برمی‌خوریم و او، تنها در مقدمهٔ کتاب «از چیزهای دیگر» در حد پاراگرافی بسیار کوتاه، به معرفی اجمالی مقالات مندرج در این کتاب پرداخته‌است.^۵

در ادامه، نگارنده برای اثبات اهمیت و کارکرد مقدماتی که زرین‌کوب بر آثار خویش نگاشته و همچنین اثبات این نکته که این «مقدمات»، «کارنامهٔ روح» و آینهٔ ضمیر نویسنده محسوب می‌شود، ذیل پنج عنوان به تفکیک و دسته‌بندی مطالب و مندرجات این مقدمات پرداخته‌است:

۲. ۱. اطلاعات ادبی - علمی‌ای که ارتباطی مستقیم با موضوع مورد بحث دارد (نیمهٔ مرئی و محسوس مقدمه):

بخشی از مقدمات زرین‌کوب به دست‌دادن اطلاعات و دانش‌هایی در حوزهٔ موضوع مورد نظر است که از آن می‌توان به نیمهٔ آشکار و محسوس مقدمه یاد کرد؛ زیرا با آماده‌سازی ذهن و ضمیر مخاطب، خواننده را برای ورود به بحث اصلی یاری می‌رساند. این بخش از مقدمات - دقیقاً همچون متن - بیانگر تسلط و اشراف نویسنده به موضوع مورد نظر و البته حاکی از دغدغهٔ وی برای افزودن به آگاهی خواننده و ترسیم نمای کلی از موضوع کتاب است. فهرستی از این اطلاعات را می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد:

۱. بدون آشنایی با ویژگی‌های تصوف، بسیاری از لطایف ادب و حکمت و جریان‌های فکری و فلسفی را نمی‌توان به درستی شناخت (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۷).

۲. رهایی از زنجیر و ظلمت دست و پاگیر خودی‌ها - که سرمنشأ همهٔ محنت‌هاست - برکاتی برای آدمی به همراه می‌آورد (همان، ۱۳۶۶: ۱۳ و ۱۵).

۳. نقد روش‌مند و اخلاق‌مدارانهٔ زرین‌کوب نسبت به افراد، محققان، مستشرقان، کتب، نسخه‌های خطی، مضامین و روایات که خود شامل موارد ذیل می‌شود:

۳. ۱. ضعیف و بیمارگونگی و پریشان و مغشوش بودن نقد ادبی امروز و گستاخی و دلیری و شوخی و بی‌باکی ناقدان معاصر (همان، ۱۳۷۴ الف: ۹ و ۱۰).

۳. ۲. نقد بر غالب نسخه‌های چاپی حافظ تا عصر حاضر؛ از جمله چاپ خانلری و احتمال تصرف در آن و دقیق نبودن چاپ غنی - قزوینی (همان، ۱۳۷۴ ب: سیزده و چهارده).

۳. ۳. عدم اعتماد بر روایات تذکره‌نویسانی چون: دولتشاه، جامی و میرخواند دربارهٔ حافظ (همان: دوازده).

۳. ۴. عدم اعتماد بر روایات ضعیف و «شایعات اراجیف‌گونه» دربارهٔ مولانا و حتی نقد شخص مولانا که از ضعف‌های بشری خالی نبوده‌است (همان، ۱۳۶۹ ج: ۱۴).

۳. ۵. با احتیاط تلقی کردن روایات فارسی و ابن‌جوزی دربارهٔ غزالی و اینکه این روایات، همه جا هم دقیق نیست (همان، ۱۳۶۹ ه: هشت).

۳. ۶. نقد بر محققان و ادیبان معاصر که برخی گفته‌هایشان ارزش چندانی ندارد و هیاهوی بسیار برای هیچ‌است (همان، ۱۳۷۴ ج: ۷).

۳. ۷. دورانداختنی بودن «جزئیات لاطائل» در کتب تاریخ‌ادبیات (همان، ۱۳۷۵ الف: ت).

۳. ۸. نقد بر انسان‌های «ملول طبع جهانباره عصر» که در «جامعه ماشینی زده و مصرف‌کننده» امروز اندیشه‌ای ندارند (همان، ۱۳۶۴: ۶).
۳. ۹. نقد بر شرق‌شناسان و مورخان غربی که به گذشته باستانی مردم ایران به چشم یونانی‌های عهد اسخولیس و ارسطو می‌نگرند (همان، ۱۳۸۴: ۱۰).
۳. ۱۰. قابل اتکا نبودن ملاک‌های شرق‌شناسانی چون: «مونتگری وات» در انتساب آثار غزالی و ترتیب منطقی آن‌ها (همان، ۱۳۶۹: ۵ پنج)
۳. ۱۱. درست نبودن داوری محققان اروپایی در ارزیابی آنچه مسلمانان به فرهنگ عرضه کرده‌اند (همان، ۱۳۷۶: ۸).
۴. وضع و کاربرد دو اصطلاح «تاریخ ترکیبی» (=مجموعه زندگی یک دوره یا یک قوم) و «تاریخ تحلیلی» (=سرگذشت یک سلسله یا بنیادی خاص) (همان، ۱۳۷۳: ۵).
۵. اینکه تاریخ، بیان صرف حوادث و کشمکش‌ها نیست؛ بلکه زندگی، اخلاق و آداب، دردها و خوشی‌ها و ناخوشی‌های آدمیان نیز در آن دخیل است (همان، ۱۳۸۴: ۱۰). اینکه زرین‌کوب، نام دو جلد کتاب تاریخ ایران قبل از اسلام خود را «تاریخ مردم ایران» (عنوان فرعی: کشمکش با قدرت‌ها) گذاشته است، مؤید نظر فوق است؛ زیرا تاریخ، اعتبار خویش را از همین دردها و رنج‌ها و آداب و رسوم کسب می‌کند.
۶. در توالی رویدادهای تاریخ پرفراز و نشیب قبل و بعد از اسلام، «وحدت و استمرار»، بیش از «کثرت و فاصله» به چشم می‌خورد (همان، ۱۳۷۴: ۶ و ۷).
۷. «گزیده» بودن مثنوی از هر روی و اینکه هر نوع گزیده و انتخابی از این کتاب، از هم گسستن اجزاء به هم پیوسته یک موجود زنده است (زرین‌کوب و قمرآریان، ۱۳۷۷: ۳۰).
۸. نادرستی اصرار و تأکید برخی معاصران بر اهمیت سنت در نقد ادبی و استناد به سخنان امثال: جرجانی، وطواط، شمس‌قیس، تفتازانی، خلیل‌بن احمد و سکاکی و لزوم کشف افق‌های تازه و تنوع‌طلبی در نقد ادبی (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۶).
۹. اهمیت زبان و بیان روشن در شعر و پرهیز از «ابهام» عاری از صداقت که کار شیادان و فریبکاران است (همان: ۸).
۱۰. فواید و مزیت‌هایی که زرین‌کوب برای موضوع مورد بحث برمی‌شمرد؛ از جمله:
۱. ۱۰. فواید مطالعه و جستجو در تصوف که اولاً مایه خرسندی و دلنوازی دنیای انسانیت امروز می‌شود؛ ثانیاً انسان ره‌گم‌کرده امروز را از خذلان و وانهادگی و یأس می‌رهاند و ثالثاً افق‌های روشن‌تر و وسیع‌تر یک انسانیت والاتر را به ارمغان می‌آورد (همان، ۱۳۶۹: ۷ و ۸).
۱۰. ۲. سیر در مثنوی علاوه بر هدف عالی بخشیدن به زندگی حسّی، آدمی را از بن‌بست دنیایی که در امواج پوچی و دلزدگی فلسفه‌های مادی بورژوایی مستغرق شده، نجات می‌دهد و وی را از اینکه به فریب و دروغ یک وجدان فریب‌خورده تسلیم شود، ایمن می‌دارد (همان، ۱۳۶۶: ۱۳).
۱۰. ۳. تعلیم «نی‌نامه» نیز فواید پنج‌گانه‌ای چون: محدود نکردن آدمی به علم بحثی، منحصر نکردن شریعت به خوف و خشیت و محنت، تبدیل زندگی به جاده درازآهنگ شادمانه، از خودرهایی و تبدیل «جبر» به «عشق» را بشارت می‌دهد (همان: ۱۵).

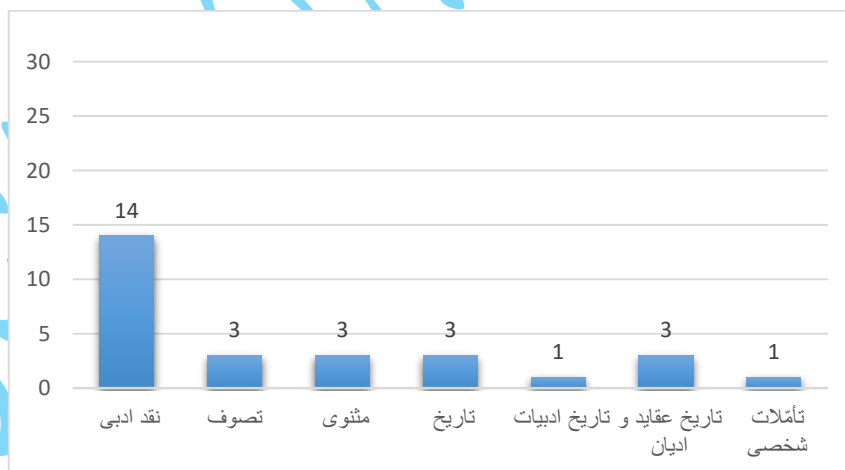
۱۰. ۴. مطالعه و مرور «از گذشته ادبی ایران»، اولاً به مثابه درآمدی بر ادبیات امرواست؛ ثانیاً معیاری برای ارزیابی میزان هماهنگی فرهنگ نسل حاضر با اقتضای عصر محسوب می‌شود و ثالثاً آهنگ شتاب حرکت عصر را در مسیر پیشرفت تکامل نشان می‌دهد (۱۳۷۵: الف).

۱۰. ۵. فهم تاریخ انسانی و کسب تجربه‌ای عمیق از احوال و جدان انسانی در طی تحول و توالی قرن‌ها و نسل‌ها، اهمیت و فواید مطالعه تاریخ عقاید و ادیان محسوب می‌شود (همان، ۱۳۷۵ ج: ۷).

۱۰. ۶. تأمل در تحول دایم و بی‌وقفه احوال و رویدادهای عالم، ضمن یادآوری پنج روزه نوبت آدمی به او، وی را به سوی کمال ممکن انسانی رهبری می‌کند و فرصت تزکیه و تمتع مقرون به عدالت را به وی می‌بخشد (همان، ۱۳۷۴: ۷ و ۸).

این فهرست اطلاعات مستقیم آثار زرین‌کوب، علاوه بر اشتیاق و علاقه وی به گرایش‌ها و شاخه‌هایی چون: نقد ادبی، تصوف، تاریخ، تاریخ ادبیات و تاریخ عقاید و ادیان، بیانگر دغدغه او برای تشریح موضوع مورد بحث و کمک به افق ذهنی مخاطب، برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوع است. در این فهرست، اطلاعات مربوط به نقد ادبی با ۱۴ مورد، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. (به ترتیب شماره‌های ۳ [با یازده زیرمجموعه]، ۸ و ۹). این بسامد بالا نسبت به سایر موضوعات مندرج در بند (۲. ۱)، بی‌جهت نیست؛ زیرا نشان می‌دهد علی‌رغم شیفتگی و تمایل فراوان زرین‌کوب به منظومه عرفان، مثنوی و تاریخ به مفهوم گسترده آن، آنجاکه بحث تحقیق در حوزه مبانی و اصول نقد ادبی به میان می‌آید، بیشترین دغدغه و تلاش ایشان، ابهام‌زدایی از مطلب و آشکارگی موضوعات و مضامین برای مخاطب است و در واقع کارکرد مقدمه در بخش مرئی و محسوس آن، مگر جز این می‌تواند باشد؟ از این رو، مقدمه روش‌مند و بسامان، آن‌است که بدون تطویل کلام و پرهیز از مباحث انتزاعی، با ارائه اطلاعاتی عینی و محسوس در موضوع مورد نظر، مخاطب را برای ورود به دنیای متن آماده‌کند و در واقع یاریگر وی در فهم متن باشد.

نمودار بسامدی بخش (۲. ۱).



۲. ۲. اطلاعات و برداشت‌های پراکنده‌ای که به ظاهر ارتباط مستقیمی با موضوع مورد بحث ندارد (نیمه نامرئی و مخفی مقدمه):

بخش دیگری از مقدمات آثار زرین‌کوب اطلاعات و آگاهی‌هایی است که به ظاهر با موضوع اثر، ارتباط مستقیمی ندارد؛ بلکه در سایر حوزه‌های علم و ادب و فرهنگ، به دانش و آگاهی مخاطب می‌افزاید. پراکندگی موضوعی این دسته از اطلاعات، به هیچ‌روی، دلیل کم‌اهمیتی آنها نیست و به اندازه اطلاعات مستقیم، برای خواننده کنجکاو و مشتاق، سود و منفعت در پی دارد. فهرستی از این اطلاعات، در نمونه‌های زیر قابل مشاهده است:

۱. ذکری از «طعانه» مثنوی و اینکه وی «بی‌دانشی» بوده و «غرض یا حسد» داشته است (همان، ۱۳۶۹ ج: ۷، ۸ و ۱۳). آیا می‌توان این بسط و تکرار زرین‌کوب درباره «طعانه حاسد» را تعریضی دانست به طعانگان عصر و «بدسگالانی چند که از عوانی بر حرف انسان انگشت می‌نهند» (همان: ۱۳). جملات پایانی پله پله تا ملاقات خدا، این حدس ما را تقویت می‌کند؛ آنجاکه زرین‌کوب در «این قحطسال دوستی و یاری» از «فرسودگی و افسردگی» خود سخن گفته و با مصراع‌ی از حافظ، خود را تسکین می‌دهد: «گو نه دل باش و نه ایام، چه خواهد بودن»؟

۲. طعن و تعریض به «ابن عربی» و آثار او که کمتر ترجمان حیات عرفانی و تجربه‌های صوفیانه سراسر است و خردپذیر است (زرین‌کوب و قمرآریان، ۱۳۷۷: ۳۲).

۳. اهمیت «مقدمه» و اینکه ارزش و حدود کار نویسنده را مشخص می‌کند و خواننده را به این نتیجه می‌رساند که کتاب، سودمند و خواندنی است یا بی‌فایده و ترک‌کردنی (زرین‌کوب، ۱۳۳۰: ج).

۴. نهایت دقت و ظرافت زرین‌کوب در نامگذاری عناوین کتب خویش، به گونه‌ای که هم متناسب با گوینده یا شاعر مورد نظر باشد و بتوان تصویر کوتاهی از زندگی، حیات و احیاناً «سلوک روحانی» صاحب اثر را دریافت و هم عنوان روشن و رسایی داشته باشد؛ مانند: عناوین: «پله‌پله تا ملاقات خدا» که متناسب با گوینده مثنوی است (۷)؛ «از گذشته ادبی ایران» مناسب با مرور کوتاه نویسنده بر ادب گذشته (پ)؛ «دفتر ایام» که نشانی از زندگی هرروزینه آدمی است (۷)؛ «از چیزهای دیگر» که از همه چیز و از هیچ چیز است (۶) و «دو قرن سکوت»، نه دو قرن آشوب و غوغا؛ زیرا در این دو قرن، زبان ایرانی خاموشی گزیده بود (۲۰ و ۲۱).

۵. پیشنهادهایی که او در اثنای مقدمات خویش ارائه می‌دهد؛ از جمله: پیشنهاد الگوی تحول نظم و نثر بر اساس فرضیه تحول خلاق و نظریه میراث و جهش تکاملی (همان، ۱۳۷۵ الف: ب) یا پیشنهاد جایگزینی اصطلاح «علم برین» برای ترجمه «فلسفه اولی» (شاله، بی تا: ۷).

۶. آرزوهایی که زرین‌کوب در مقدمات خود طرح کرده و امیدوار است برآورده شود؛ از جمله:

۱. ۶. آرزوی ترجمه کتاب ماسینیون با عنوان «مصیبت‌نامه حلاج» (زرین‌کوب، ۱۳۷۷ ب: ۱۳).

۲. ۶. آرزوی اینکه ای کاش اسناد مربوط به حلاج با واقعیت و بدون شیفتگی یا سوء تفاهم به ما رسیده بود (همان: ۸).

۳. ۶. امیدواری از اینکه در کتاب «ارزش میراث صوفیه» چیزهای آمده باشد که در جای دیگر نیامده است (۱).

۴. ۶. آرزوی زرین‌کوب مبنی بر اینکه مباحث کتاب «در قلمرو وجدان» به عمد از راه صواب منحرف نشده باشد و التزام تاریخ‌نگری، نویسنده را به تقصیر و قصور دچار نکرده باشد (۹).

۵. ۶. آرزوی «یاریگری دوستی جوان» و همکاری علمی با ایشان تا شوق و شوری تازه در وی برانگیزد (همان، ۱۳۶۹ ج: ۱۴).

۶.۶. آرزوی افزونی شوق و هیجان خوانندگان کتاب «کارنامه اسلام» در اخذ و توسعه دانش امروزی و گرفتار نشدن در دام غرور و آفت‌های آنچه به گذشته مربوط است (۸).

۶.۷. آرزوی اینکه نویسنده، زیاده از «حقیقت‌جویی» عدول و تجاوز نکرده باشد (همان، ۱۳۹۰: ۲۱).

۷. افسوس از اینکه جرأت شنیدن دعوت نی‌نامه مولانا (=رهایی از خودی‌ها) در «من» و در «تو» نیست (همان، ۱۳۶۶: ۱۴).

۸. تحسین و تمجید از اشخاص و آثار علمی ایشان و ارج نهادن به کوشش و همت آنها در تحقیق و تتبع: از جمله:

۸.۱. تمجید از کتاب پراج «تاریخ ایران باستان» حسن پیرنیا و اینکه متضمن فواید بسیاری است (همان، ۱۳۸۴: ۱۰).

۸.۲. تحسین از دقت و استقصای «مینورسکی» در چاپ شرح قصیده ترسائیه و مقالات محققانه او در مسائل مربوط به ادب

و فرهنگ ایران (مینورسکی، ۱۳۸۴: شش و هفت).

۸.۳. تمجید از کتاب «چشم‌انداز شعر معاصر» حمید زرین‌کوب و اینکه برای شناخت شعر معاصر، راهگشای ارزنده‌ای است

(زرین‌کوب، ۱۳۷۲ ب: ۱۲ و ۱۳).

۸.۴. تمجید از کتاب نفیس «سیر حکمت در اروپا»ی فروغی (شاله، بی‌تا: ۵).

۹. ختم مقدمه با جملات و عبارات دعایی‌ای چون: «و مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹ د: ۸)؛ «و هُوَ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ»

(همان، ۱۳۷۴، ز: ۸)؛ «وَاللَّهُ وَلِيُّ السَّادِ وَالرَّشَادِ» (همان، ۱۳۶۶: ۱۰)؛ «بِمَنِّهِ وَكَرَمِهِ» (همان، ۱۳۷۱: ۲)؛ «وَالسَّلَامُ» (همان،

۱۳۷۷ الف: ۱). جمله دعایی «بِمَنِّهِ وَكَرَمِهِ» با سه بار تکرار، بیشترین بسامد را در آثار زرین‌کوب دارد.

۱۰. حسن مقطع و پایان زیبا و تأثیرگذار برخی از مقدمات با مصراع معروف، آیه، عبارتی ادبی، از جمله:

۱۰.۱. پایان کتاب نقش برآب با آیه «إِذَا مَرَّوَا بِاللُّغُوِّ مَرَّوَا كِرَامًا» (۸).

۱۰.۲. پایان دیباچه از کوچه رندان با مصراع: «که نه هر کو ورقی خواند، معانی دانست» (هشت).

۱۰.۳. پایان دو قرن سکوت با مصراع: «این متاعم که تو می‌بینی و کمتر زینم» (۲۱).

۱۰.۴. پایان دفتر ایام با عبارت: «چه بیشی ز یک حرف در دفتری» (۷)!

۱۰.۵. پایان بحر در کوزه با عبارتی متناسب با بحث و لمحّه‌هایی که آدمی را فراتر از بحر و کوزه می‌برد: «دولت آن‌است و

کار آن کار» (۸).

۱۰.۶. پایان شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب با مصراع: «عشق‌بازی نه من اول به جهان آوردم» (۹).

۱۰.۷. پایان تاریخ در ترازو با مصراع نیمه‌تمام: «یاد یاران یار را...» (۳).

تأمل در اطلاعات غیرمستقیم و برداشت‌های پراکنده مقدمات آثار زرین‌کوب، در عین حال که - همچون اطلاعات

مستقیم - از وسعت دانش و دقت و تتبع وی حکایت کرده، گوشه‌هایی از ضمیر ناخودآگاه او را در قالب آرزوها و

افسوس‌ها و تحسین‌ها می‌نمایاند؛ خواننده تیزهوش را به نتایج ذیل می‌رساند که:

اولاً بیشترین بسامد در این اطلاعات پراکنده مقدمات، از آن «آرزوهای» زرین‌کوب است (۷ مورد) و در میان این

آرزوها، آن دو موردی که وی آرزو کرده‌است که به عمد و زیاده از راه صواب و حقیقت‌جویی عدول نکرده‌باشد، می‌تواند

بسیار برای محققان امروز به لحاظ روش تحقیق و تقید به حقیقت آموزنده‌باشد. این آرزوی زرین‌کوب را امید به «تازه

نویسی و نوجویی» در مباحث کتاب «ارزش میراث صوفیه» کامل می‌کند و نشان می‌دهد که «حقیقت‌جویی» همواره با

«نوجویی» ارتباطی مستقیم دارد.

ثانیاً تحسین‌ها و تمجیدهای زرین‌کوب - که پس از آرزوها، بیشترین بسامد را در میان اطلاعات نامرئی مقدمات وی

دارد - بیانگر وسعت نظر و دامنه وسیع مطالعات و اطلاعات وی در موضوعات مختلف‌است؛ از مطالعه در تاریخ ایران

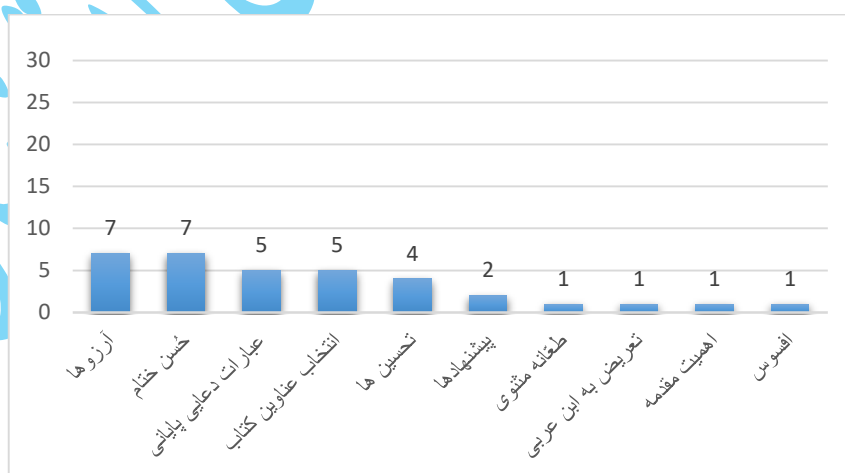
باستان گرفته تا قصیده ترسائیۀ خاقانی و چشم‌اندازهای شعر معاصر و سیر حکمت در اروپا. چنین تمجیدهایی از سوی محقق ژرف‌نگری چون زرین‌کوب، نشان‌می‌دهد که در امر تحقیق، یکسونگری و تعصب را باید کنار گذاشت و «تحقیق درست» را ارج‌نهاد؛ خواه نویسنده‌اش ایرانی باشد و خواه مستشرق؛ تألیف باشد یا ترجمه؛ تاریخ باشد یا فلسفه؛ ادب کلاسیک باشد یا شعر معاصر.

ثالثاً اذعان و تأکید نویسنده مورد نظر به ارزش و اهمیت «مقدمه» و تأثیر مثبت یا منفی مقدمات آثار در ذهن و ضمیر مخاطب، نشان‌می‌دهد که مقدمه سنجیده و بسامان، آینه متن و مجلای اندیشه‌ها و ضمیر ناخودآگاه نویسنده‌است؛ نکته‌ای که بنیان این پژوهش بر آن استوار شده و مقدمات خود زرین‌کوب، شاهدی صادق بر این گفتار است.

رابعاً حسن ختام و پایان هنرمندانه اغلب مقدمات زرین‌کوب و پیوند ظریف و هوشمندانه این حسن ختام‌ها با موضوع کتاب و زمینه پژوهش، نکته دیگری است که از تأمل در مقدمات حاصل می‌شود؛ چنانکه عبارت (آیه) پایانی مقدمه «نقش بر آب»، پیوند هوشمندانه‌ای با موضوع و مقاله اصلی کتاب دارد که کوششی است در ترسیم خطوط اصلی زندگی و سیمای جسم و روح ایشان؛ کوششی که به قول خود او، تلاشی برای «دستیابی به غیرممکن» است. همچنین دیباچه «از کوچه زندان»، با مصرعی از خود حافظ، بسیار رندانه پایان یافته‌است و زرین‌کوب با زیرکی تمام می‌خواهد بگوید که در مطالعات مربوط به حافظ‌شناسی، معنی، دیگر است و دعوی، دیگر: «که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست».

بعلاوه اگر با نگرشی هرمنوتیکی به حسن ختام مقدمه «دو قرن سکوت»: (این متاعم که تو می‌بینی و کمتر زینم) بنگریم، ژرفای اندیشه نویسنده بیشتر بر ما آشکار می‌شود که اولاً انتخاب زیرکانه این مصراع حافظ، پاسخی است به «طعانگان و بدسگالان عصر» که بسیار بر سخنان وی در کتاب مورد نظر، خرده گرفتند؛ ثانیاً بیانگر تواضع و بی‌ادعایی زرین‌کوب است که خود، بارها در مقدمات آثارش بدان اشاره کرده که ادعای وصول به حقیقت را نداشته و در کتاب مذکور به هیچ‌روی، ادعا نداشته که «وظیفه مورّخی محقق» را ادا کرده باشد.

نمودار بخش بسامدی (۲.۲).



۲.۳. اطلاعاتی درباره ویژگی‌ها و خصلت‌های نویسنده (روانشناسی شخصیت زرین کوب)

تأمل در مقدمات و تدقیق در زوایای آشکار و پنهان آن، خواننده را با ویژگی‌ها، صفات، خصایل و به طور کلی، شخصیت نویسنده آشنایی کند و آثار زرین کوب هم از این قاعده مستثنا نیست؛ به گونه‌ای که به خوبی می‌توان صفاتی چون: اشتیاق به مطالعه و روحیه تحقیق و سخت‌کوشی، تواضع و بی‌ادعایی، صداقت و انصاف، شیفتگی به عارفان، عقلانیت و معنویت و دهها ویژگی دیگر را در مقدمات نویسنده مورد نظر یافت و از هر کدام از آنها ادب درس و ادب نفس آموخت. این اطلاعات و ویژگی‌های شخصیتی - که جز در مقدمات یافت نمی‌شود - بسیار مغتنم و ارزشمند است؛ زیرا نویسنده، فارغ از متن و بحث اصلی، با صداقت و یکرویی، چهره خود را آن‌چنان که هست، می‌نماید و مخاطبان آثار خویش را در تجارب زیسته و آزموده خود شریک می‌کند و چه بسا خواننده‌ای که با مطالعه و همذات‌پنداری با تجارب گرانبها و روحیات وی، آن قدر سرشار و نکته‌آموز می‌شود که از گلستان پربار کتاب، به سایه مقدمات آن اکتفا می‌کند و مدعی می‌شود که «رطلِ گران» مقدمه «ما را بس».

در ادامه به مهمترین ویژگی‌های شخصیتی زرین کوب در مقدمات اشاره می‌کنیم:

۱. روحیه تحقیق و خرسندی فراوان به واسطه اشتغال مداوم به جستجو و مطالعه و «لذت شوق و پویه بی‌بهره» که هیچ‌گاه او را رها نکرده است (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۷). این اشتغال مدام به مطالعه و تحقیق که سرمشقی مفید برای طالب علم امروزی است، وی را بر آن می‌داشت که برای نگارش هر یک از آثار خود سال‌ها و ماه‌ها جستجو کند و سپس بنویسد؛ چنانکه نگارش «از کوچه نردان» حاصل سال‌ها جستجو در دیوان حافظ بوده است (چهارده)؛ نگارش «پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد»، حدود بیست سالی به طول انجامیده (۵)؛ تدوین کتاب «آشنایی با نقد ادبی»، نتیجه پانزده سال «مطالعه مستمر» زرین کوب بوده است (۱۷) و ابیات برگزیده «از نی‌نامه» حاصل سال‌ها مطالعه مستمر تقریباً بی‌وقفه و فتور در مثنوی بوده است (۳۰). جالب اینکه این روحیه تحقیق در ترجمه‌های زرین کوب هم به چشم می‌خورد؛ چنانکه در ترجمه «فن شعر» ارسطو، مقدمه‌ای صدونه صفحه‌ای درباره زندگی و آثار و اندیشه ارسطو آمده است و چنین دقت‌ها و نکته‌بینی‌ها به قول خود ایشان، یعنی «تحقیق درست». بعلاوه چنین ژرف‌نگری‌هایی، گاه رنگ و بوی فلسفی و کلامی به برخی مقدمات ایشان داده است؛ از جمله تأمل و تشکیک در «حیات انسانی» که آیا «غایت و معنایی دارد و به زحمت تحمل و تجربه‌ای می‌ارزد یا نه» (همان، ۱۳۷۵: ج ۸)؟

۲. شیفتگی زرین کوب به علوم و دانش‌هایی چون: الف) ادبیات فارسی (قدیم و جدید)؛ ب) تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری که از مقدمات وی بر کتب تاریخی‌اش به خوبی مشهود است؛ از جمله: بامداد اسلام، کارنامه اسلام، دو قرن سکوت، روزگاران ایران و تاریخ ایران بعد از اسلام. در واقع زرین کوب، اولین محقق ایرانی است که با حوصله و دقت علمی فراوان، به حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری توجه نشان داده (اتحاد، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۴۵) و از دید او هیچ چیز، حتی عرفان، از قلمرو تاریخ بیرون نیست (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۹۷)؛ پ) مطالعه ادیان و کلام و فلسفه و سیر آراء و عقاید که با ترجمه کتاب «متافیزیک» شاله آغاز شد و سپس به تألیف کتبی چون: با کاروان اندیشه، در قلمرو وجدان و نه شرقی، نه غربی؛ انسانی انجامید؛ کتبی که زرین کوب را با این اعتقاد ضمنی که «بدون تأمل در تاریخ عقاید و ادیان، فهم تاریخ انسانی، آسان نیست» (همان، ۱۳۷۵: ج ۷) به نگارش آنها واداشت.

۳. شیفتگی به فرهنگ ایرانی و تصوف و اینکه تصوف - که بُعد انسانی فرهنگ ایرانی است - به کمک «اخلاق و تربیت و کلام و حکمت»، عناصر فرهنگ ایرانی را شکل می‌دهد (همان، ۱۳۷۶: ۱). در واقع بدون آشنایی با تصوف و شناخت آن،

بسیاری از لطایف ادب و حکمت، پاره‌ای از دقایق واقعیات تاریخ این سرزمین، بسیاری از جریان‌های فکری و فلسفی و بخشی از نهضت‌های اجتماعی ایران را به درستی نمی‌توان شناخت (همان، ۱۳۶۹: ۷).

۴. شیفتگی و اشتیاق فراوان به عارفان و «رهروان رازآشنا» که بدون همدلی با آنها «نویسنده چگونه می‌توانست در این سرزمین‌های درشتناک و وهم‌انگیز گام‌بگذارد» (همان، ۱۳۷۶: ۲)؟ کمترین تأمل در کتب سه‌گانه زرین‌کوب در زمینه تصوف (ارزش میراث صوفیه، جستجو در تصوف ایران و دنباله جستجو در تصوف ایران)، نشان می‌دهد که گویی وی با هریک از این عارفان جداگانه زیسته‌است (اتحاد، ۱۳۸۷ ج ۱۲: ۸۸ و ۸۹).

۵. علاقه به شخصیت و اندیشه «حلاج» و اینکه او از کودکی به مطالعه و جستجو درباره حلاج پرداخته‌است (زرین‌کوب، ۱۳۷۷ ب: ۹).

۶. شیفتگی به شخصیت و زندگی «غزالی» که از مقدمه پر و پیمان زرین‌کوب به «فرار از مدرسه» به خوبی آشکار می‌شود و «آن‌چنان با همدلی اندیشه ابوحامد غزالی را می‌کاود که خواننده می‌پندارد که مگر با غزالی هم‌فکر است یا دست‌کم وی را برحق می‌پندارد» (قراگزلو، ۱۳۷۸: ۲۴). اگر از دید روان‌شناسی شخصیت، به مقدمه وی به «فرار از مدرسه» بنگریم، درمی‌یابیم که گویی این همه جذابیت و تحول روحی غزالی، آینه‌ای از زندگی و تأملات خود ایشان است و چه بسا «المُنْقَدُ مِنَ الضَّلَالِ» یکبار دیگر پس از قرن‌ها، در زندگی و اندیشه خود زرین‌کوب اتفاق افتاده‌باشد؛ حدسی که جمله پایانی «فرار از مدرسه» آن را بیشتر تقویت می‌کند که: «آیا در فرار از مدرسه هم مثل قهرمان خویش، گهگاه در حصار مدرسه نمانده‌ام» (یازده)؟

۷. شیفتگی و اشتیاق وافر به مولوی و مثنوی که از مقدمات کتبی که نویسنده مورد نظر درباره مولوی و مثنوی نوشته، به خوبی به چشم می‌خورد؛ بویژه مقدمات «سرنی» و «بجر در کوزه» که بسیار شورانگیز و جذاب است و از «همدلی و همجوشی» زرین‌کوب با مثنوی و مولانا و همچنین اشتراک در مواجهه وقت‌گوینده حکایت می‌کند؛ به قول خود او: «هر بار که از نی‌نامه و نی سخن در میان می‌آید، احساس می‌کنم که جز با همجوشی با آن دمنده‌ای که در این نی جادویی می‌دمد، نمی‌توانم ذوق و شور این آهنگ آسمانی را ادراک کنم» (زرین‌کوب، ۱۳۶۶: ۱۶). مولانا به دلیل طرز سلوک و بویژه تهوّر تحسین‌انگیز او در رهایی از غرور عالمانه در نظر زرین‌کوب به عنوان یک رهبر اخلاقی و یک مصلح اجتماعی درخور تمجید است (محمدخانی، ۱۳۷۸: ۱۱).

۸. احتمال تجربه معنوی (عرفانی) زرین‌کوب در اثر غور فراوان در مثنوی و تأکید فراوان وی مبنی بر اینکه محقق، تنها نباید به کاویدن ریشه‌ها و مطلق جستجو و تحقیق پردازد؛ بلکه گاه باید در سایه دلنواز درخت مثنوی بیاساید و به «شاخه‌های آسمان‌گرای» این درخت توجه کند (زرین‌کوب، ۱۳۶۶: ۱۲)؛ بنابراین باید بجز زمین، به آسمان هم نگرست تا بتوان از «لمحه‌های نادر و نورانی و جاودانه» نیز بهره‌برد (همان، ۱۳۷۴: ۸).

۹. اقبال به «معنویت» و اعتقاد به زندگی پس از مرگ و رهایی از زندان و «گریستان جسم» و اینکه آدمی گاه باید از دنیای متمدن و فرهنگ تنازع بقای عصر ماشینی - که جز پوچی و دزدگی و فریب‌خوردگی ثمری ندارد - چشم‌پوشد و به معنویت، سلامی دوباره بکند (همان، ۱۳۶۶: ۴۵؛ همچنین ر.ک. اتحاد، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۹۷).

۱۰. اشاره به دو رکن اصلی ناکجاآباد نظامی که زرین‌کوب از آنها با عناوین «تربیت و اخلاق» نام می‌برد (زرین‌کوب، ۱۳۷۲ الف: ۴)؛ از ناخودآگاه و روش زیست زرین‌کوب مایه می‌گیرد و طبعاً در زندگی و سلوک خود او به‌طور مستمر جریان داشته‌است.

۱۱. وسعت نظر و بی‌تعصبی نسبت به سه حوزه «فرهنگ پیش از اسلام»، «فرهنگ اسلامی» و «مجموعه فرهنگ جهانی» و اینکه این سه قلمرو فرهنگ، مشترکاً پایه‌های فرهنگ و ادب بشری را بنانده‌اند و محقق منصف به هر سه فرهنگ به دیده احترام می‌نگرد. یکی گذشته باستانی مردم ایران (دوران قبل از اسلام) که به رغم کوتاه‌بینان و ملول‌طبعان بی‌حاصل نبوده‌است و بدون توجه به آن دوران طولانی، تاریخ مردم ایران در عهد اسلام را هم نمی‌توان در تمام ابعاد آن به درستی ارزیابی کرد (همان، ۱۳۸۴: ۹؛ ۱۳۷۴ و ۷: ۱۳۷۵ د: ۵). دوم فرهنگ اسلامی که نویسنده در مقدمه یک صفحه‌ای خود بر «بامداد اسلام» شیفتگی خود را به آن نشان می‌دهد و از دین اسلام با عنوان «دین بزرگ که در روشنی تاریخ به وجود آمد» و از شخص پیامبر اسلام، با عنوان «مردی حماسه آفرین» یاد کرده‌است (۷). سوم فرهنگ جهانی که ارزش انسانی فوق‌العاده‌ای دارد و فرهنگ اسلامی و ماقبل اسلام ایران را جز در مجموعه فرهنگ جهانی نمی‌توان به درستی ارزیابی کرد (همان، ۱۳۶۹ ب: ۷).

۱۲. ناخرسندی‌ها، نومیدی‌ها، رنجوری‌ها، افسردگی‌ها و خستگی‌هایی که زرین‌کوب به کرات (و دقیقاً با همین عبارات) در مقدمات خود از آنها سخن گفته و مسبب آنها عواملی چون: بیماری طولانی و مسافرت‌های بی‌سرانجام درمانی، غربت‌های هول و ترک یار و دیار، گم شدن کتبی چون: انسان الهی، نردبان آسمان و بخش‌هایی از بحر در کوزه (بنگرید به: با کاروان حله: ۸؛ جستجو در تصوف ایران: ۲؛ سرنی: ۹ و بحر در کوزه: ۷) و سرانجام آشفته‌گی‌ها و نابسامانی‌های عصر و زمانه بوده‌است؛ عصر «بی‌حوصله و همراه با هول و شتاب» با همان تصویرهای «گسسته، قلم‌انداز و کنایه‌آمیز» عصر حلاج (همان، ۱۳۷۷ ب: ۹) و عصر «نومیدی و بیزاری از کَر و فرّ مثنی جنگباره و مستبد که با خونریزی و خودرایی خواسته‌اند به هرگونه بی‌رسمی که در این گنجۀ جهانی هست، خاتمه‌دهند» (همان، ۱۳۷۲ الف: ۴).

۱۳. فروتنی، تواضع و بی‌ادعایی زرین‌کوب در مقدمات آثارش که بارها و بارها تکرار شده تا بدانجا که در مصاحبه‌ای در پایان عمر، آثار خویش را تنها مثنی یادداشت و اندیشه‌هایی دانسته که هزاران صفحه کاغذ را با آنها سیاه کرده و در مقابل نوشته‌های افلاطون و شکسپیر و تولستوی و سعدی و مولانا، آثار خویش را «سیاه‌مشتق» نامیده‌است (محمدخانی، ۱۳۷۸: ۱۱). او بارها در مقدمات خویش، ادعای وصول به حقیقت را رد کرده و کتب و مقالات خویش را عاملی جهت پاسخگویی به حس کنجکاوای خویش دانسته و البته بیش از این هم دعوی دیگری نداشته‌است (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۲۱ و ۱۳۶۶: ۸). همین فروتنی و بی‌ادعایی زرین‌کوب، به حذف عامدانه دیباچه احمد آرام بر چاپ اول «کارنامه اسلام» انجامیده؛ دقیقاً به دلیل آنچه نویسنده از آن به حُسن ظن بیش از حد آرام نسبت به خود یاد کرده‌است. (۷) این فروتنی ایشان، حتی گاه به «شرم و خجلت» وی منجر شده؛ شرم از تقدیم کتاب «تاریخ ایران بعد از اسلام» به دوستان «حقیقت، انسانیت و ایران» (۹) و خجلت از پاره‌ای لغات نامأنوس و تعبیّرات غیرمعمول آثار خویش نزد خوانندگان (همان، ۱۳۶۹ ج: ۱۳).

۱۴. امکان هرگونه لغزش و خطا در آثار و اذعان زرین‌کوب به اینکه از «یک ظلوم جهول» نمی‌توان توقع داشت که بی‌خطا بماند (همان، ۱۳۷۲ ب: ۹) و البته ایمن نبودن از «ضعف و نقص بشری» که از لوازم طبیعت انسانی محسوب می‌شده‌است (همان، ۱۳۷۴ ج: ۸؛ ۱۳۷۵ د: ۶ و محمدخانی، ۱۳۷۸: ۴). اعتراف و اقرارنامه وی در چاپ دوم «دو قرن سکوت» و اذعان بر «خطاهای تعصب‌آمیز» خویش در چاپ اول کتاب به دلیل «خامی و تعصب»، به یقین درس و پندی بزرگ در حوزه روش تحقیق برای محقق امروزی در پی دارد و به قول خود ایشان: «چه لزومی دارد آدمی بیهوده از آنچه سابق به خطا پنداشته، دفاع کند» (۱۹ و ۲۰).

۱۵. صداقت و انصاف زرین‌کوب در آثار خویش و احترام به خوانندگان آثارش؛ اولاً در عهد و پیمانی که با خواننده کتاب خویش بسته که تاریخ را به زرق و دروغ و غرور و فریب نیالاید و تنها حقیقت را بجوید (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۲۰)؛ ثانیاً

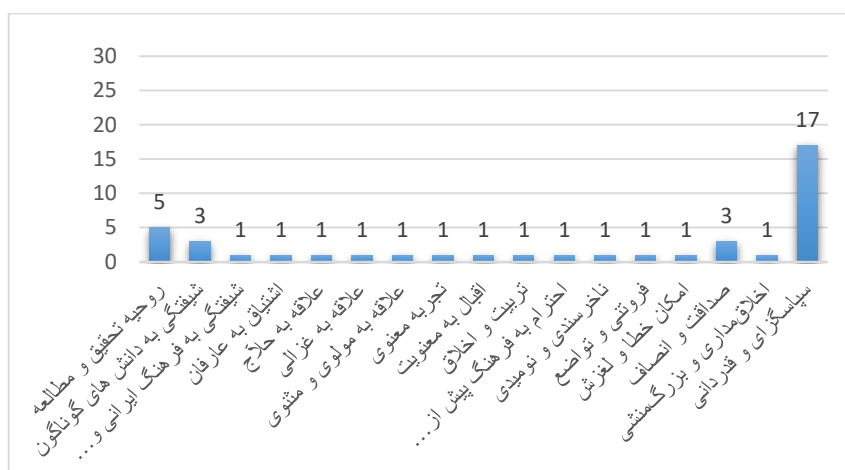
انصاف در اینکه در مقدمه «از گذشته ادبی ایران» از نقد مرحوم مطهری بر «دو قرن سکوت» یاد کرده و خوانندگان را به کتاب ایشان ارجاع داده است (پ) و ثالثاً احترام به توقعات و انتظارات خوانندگانی که از پیچیده‌نویسی زرین‌کوب شکوه کرده و از وی نگارش کتابی سهل‌تر درباره مولانا درخواست کرده‌اند و البته وفای به عهد نویسنده همراه با اظهار «شرمندگی و خجلت» (همان، ۱۳۶۹ ج: ۱۲).

۱۶. اخلاق‌مداری و بزرگ‌منشی زرین‌کوب آنجا که از سارق کتاب «نردبان آسمان» با لقب «فرزانه‌ای صاحب احسان» یاد کرده، از وی خواهش می‌کند که اگر کتاب را به نام خود چاپ کند، «مایه آسوده‌خاطری و حتی منت‌پذیری» وی (نویسنده) می‌شود (همان: ۱۴).

۱۷. روحیه سپاسگزاری و قدردانی زرین‌کوب از همکاران و دوستانی که در چاپ کتب و مقالات، او را یاری‌رسانده‌اند و بیشترین سپاسگزاری‌ها به ترتیب از: همسر خویش (قمرآریان)، دختر گرانمایه و پرمهر و فرزند معنوی ایشان: خانم فاطمه زندی که «خوش‌نیکو به جا آورد عهد و شرط فرزندی» (همان، ۱۳۷۵ الف: ث) و برادران: عظیم، حمید، روزبه و خلیل زرین‌کوب صورت گرفته است. همچنین نام استادان و یاریگرانی چون: فروزانفر، باستانی‌پاریزی، شفیع‌کدکنی، افشار، خدیوجم، علی‌فاضل، اسلامی‌ندوشن، ماحوزی، صارمی، اجتماعی‌جندقی، علی‌اصغر علمی در فهرست سپاسمندی‌های مقدمات آثار به چشم می‌خورد.

اگر مقدماتی که بزرگان بر آثار خود نگاشته‌اند، تنها همین یک مزیت را داشت که به کمک آنها می‌توانستیم به روان‌شناسی شخصیت نویسنده و خصلت‌ها و عادات و خلقیات وی پی‌بریم، برای اثبات اهمیت و ارزش دیباچه‌ها کافی بود. دیباچه‌های زرین‌کوب هم از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا آینه‌ای است که تصویر صفات شخصیتی وی را به خوبی به مخاطب می‌نماید و سرّ ضمیر او را بیش از پیش، هویدامی‌کند. از این مقدمه‌ها پی می‌بریم که اولویت اصلی زرین‌کوب در زندگی، مطالعه و تحقیق و خرسندی و رضایت باطن از این شیوه زیست بوده است؛ مطالعات و تبّعاتی که همزمان در زمینه و گرایش‌های گوناگونی چون: ادبیات فارسی، تاریخ، سیر آراء و عقاید، تصوف و فرهنگ به معنای وسیع و گسترده آن (=فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ پیش از اسلام و فرهنگ جهانی) جریان داشته، به سرشاری و پُرباری آثار وی می‌افزوده است. بعلاوه اخلاق‌مداری، اقبال به معنویت، پایبندی به تربیت و اخلاق، صداقت و انصاف، خصلت‌هایی است که مطالعه مستمر در عرفان و تصوف (بویژه سخنان حلاج و مولانا) به زرین‌کوب بخشیده است؛ خصایلی که در بطن خود دو ویژگی دیگر شخصیتی نصیب وی کرده است: یکی فروتنی همراه با شرم و خجلت و دوم ایمن نبودن از ضعف بشری و پذیرفتن امکان لغزش و خطا در آثار. به راستی روان‌شناسی شخصیت نویسنده در کدام قسمت از آثار نویسندگان بجز مقدمه، این‌گونه می‌تواند آینگی‌کند؟ جالب اینکه در تقسیم‌بندی پنج‌گانه این مقاله هم، بسامد اطلاعاتی که درباره ویژگی‌ها و روان‌شناسی شخصیت زرین‌کوب است، بیش از موارد دیگر است و این فراوانی داده‌ها، تصادفی نیست و گویا ایشان به عمد در مقدمه‌های خود -مستقیم و غیرمستقیم- راز درون خویش را برملا می‌کند تا شاید طالب‌علم جوان و مشتاق را روزی به کار آید.

نمودار بسامدی بخش (۲. ۳).



۲. ۴. آموزش مستقیم و غیرمستقیم «تحقیق درست» و «روش تحقیق» در اثنای مقدمه:

بسیاری از مقدمات زرین‌کوب، جنبه آموزشی و تعلیمی دارد و او در اثنای مقدمه -مستقیم و غیرمستقیم- روش درست تحقیق و پژوهش را به طالبان علم و خوانندگان آثار خود آموزش می‌دهد و اگر مقدمات وی، تنها همین یک ویژگی را داشت، برای اثبات شأن علمی و غور و تعمق او در موضوع مورد نظر کافی بود. این ویژگی، تقریباً در مقدمات تمام آثار زرین‌کوب، به چشم می‌خورد؛ حوزه‌های مربوط به ادبیات، نقد ادبی، تاریخ، فلسفه، تصوف و کلام اسلامی و کتبی چون: با کاروان حله، آشنایی با نقد ادبی، روزگاران ایران، فرار از مدرسه، سرنی و در قلمرو وجدان. برای نمونه:

۱. مقدمه کتاب «از گذشته ادبی ایران»، خود، کتابچه‌ای از بحث‌های نظری، ادبی، تاریخ ادبیاتی، و نقد ادبی است و تصریح زرین‌کوب بر اینکه «یکسونگری و شتاب‌زدگی»، آفت عمده نقد و شناخت آثار و فنون ادب و فرهنگ است، از یاددهی «روش تحقیق» خالی نیست (پ).

۲. در جایی از مقدمه نویسنده بر «بحر در کوزه» برمی‌آید که وی توافق چندانی هم با معیارها و نظریه‌های جدید برای درک آثار و متون کهن ندارد؛ چنانکه برخلاف قائلان به هرمنوتیک، معتقد است که جز از دیدگاه خاص گوینده اثر و همدلی با او نمی‌توان به تمتع و التذات هنری دست یافت و برخی معیارهای عصر خردگرایی، راه ورود به قلعه‌های جادویی متون کهن - از جمله مثنوی - را برگزیده مسدود می‌کند (۸).

۳. هشدار زرین‌کوب به طالب علمان مبنی بر اینکه لزوماً ذوق رایج در یک عصر را با آنچه در گذشته رایج بوده است، یکسان‌نپندارند؛ زیرا اولاً از لازمه احتیاط علمی به‌دوراست (زرین‌کوب و قمرآریان، ۱۳۷۷: ۳۶)؛ ثانیاً محیط و تربیت و آرمان تهذیب‌یافتگان امروز به کلی با تهذیب‌یافتگان قدیم متفاوت است (زرین‌کوب، ۱۳۷۲ ب: ۷).

۴. شیفتگی فراوان زرین‌کوب به تصوف و میراث دیرینه فرهنگ ایران، مانع از بیان کاستی‌ها و نادرستی‌ها و بعضاً عناصر منحط آمیخته به خرافات تصوف و برخی تعالیم صوفیه نشده است (همان، ۱۳۷۶: ۲) و اینکه وی بارها جستجو در تصوف را در «محدوده تحقیق و شناخت بی‌طرفانه علمی» و به‌دور از هرگونه «شوق و نفرت» یا «رد و قبول» الزامی‌کند (همان، ۱۳۶۹ د: ۷) حاکی از انصاف علمی وی در پژوهش و دوری از هرگونه حُبّ و بغض شخصی در امر تحقیق است و مگر روش تحقیق درست، جز این است؟

۵. نقد درست مآخذی که گذشتگان و مستشرقان درباره غزالی نوشته‌اند به همراه تأکید و اصرار درباره اهمیت ترتیب و توالی آثار غزالی و نقش این ترتیب و توالی در ترسیم جهان فکری و زندگانی وی، نکته‌ای مهم در مطالعات مربوط به نقد ادبی و تاریخ ادبیات نگاری است (همان، ۱۳۶۹ ه: پنج). ضمن اینکه دامنه وسیع مطالعات زرین کوب درباره غزالی (در مقدمه) و استناد به منابع قدیمی‌ای چون: فارسی، ابن جوزی، ابن اثیر، ابن خلکان، ابن عساکر، ذهبی، سبکی، یافعی و مستشرقانی چون: وات، پالاسیوس، ونسینک، اوبرمان، بویژ و... بهترین آموزه درباره روش تحقیق و پژوهش اصیل و مایه‌دار است.

۶. بسیاری از مطالبی که زرین کوب در مقدمه «روزگاران ایران» آورده است، جنبه آموزشی و تعلیمی دارد و آدمی را از خطاها و لغزش‌ها در راه تحقیق (بویژه در حوزه تاریخ و تاریخ نگاری) بازمی‌دارد؛ برای نمونه:

۶. ۱. اهمیت نگاه به گذشته (۷ و ۸).

۶. ۲. خیره‌سری و شوخ‌چشمی آدمی در تکرار خطاهای گذشته (۷).

۶. ۳. توهم غالب اهل هر عصر از اینکه عصر خودشان را آخر عهد دنیا و پایان خط سیر تاریخ و مالک گذشته و آینده و سازنده سرنوشت تاریخ و فرهنگ می‌پندارند (۷).

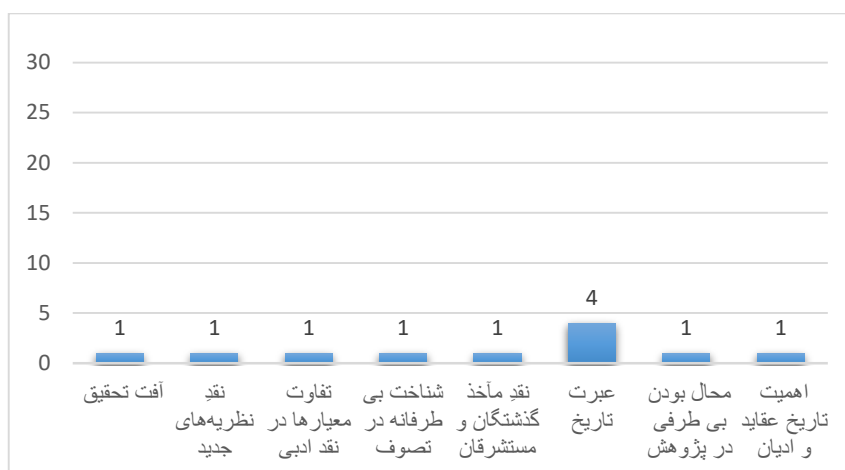
۶. ۴. مورخ هوشیار و اینکه عشق به حقیقت، انسانیت و عدالت در وجود او نهادینه شده است (۸).

۷. مورخ هر چقدر هم که ادعای بی‌طرفی داشته باشد، از وقتی که موضوع کار خویش را انتخاب و شروع می‌کند، از بی‌طرفی صرف (که لازمه حقیقت‌جویی است) خارج می‌شود؛ نکته‌ای که زرین کوب سال‌ها پیش بدان اشاره کرده و هنوز هم در صحت آن تردیدی ندارد (همان، ۱۳۷۷ ب: ۱۲).

۸. اهمیت مطالعه تاریخ عقاید و ادیان، زیرا خود تجربه‌ای عمیق از احوال وجدان انسانی در طی تحول و توالی قرن‌ها و نسل‌ها محسوب می‌شود و به کمک آن می‌توان به شناخت اخلاق و وجدان نائل شد (همان، ۱۳۷۵ ج: ۷).

زرین کوب در این دسته از یادداشت‌های دیباچه‌هایش به مخاطبان خویش یادآوری می‌کند که آفت نقد، شتاب‌زدگی و یک‌جانبه‌نگری است و منتقد منصف باید از این دو آفت در نقد و تحقیق دوری کند. همچنین بر منتقد و محقق ژرف‌نگر لازم است که اولاً نظریه‌های جدید در حوزه نقد و تحلیل متون ادبی را به‌خوبی درک و هضم کند و ثانیاً هنگام تحلیل متون ادب کلاسیک، آن نظریه‌ها را به درستی و به موقع و به میزان متعادل به کاربندد و از گرفتاری در دام «نظریه‌زدگی» بپرهیزد. بعلاوه یادآوری نکاتی چون: الزام به دریافت تفاوت‌ها و تمایزهای میان ذوق و معیارهای درون‌متنی مربوط به داوری و انتقاد در ادوار مختلف و در نظر گرفتن عوامل برون‌متنی‌ای چون: محیط و مخاطبان و آرمان‌ها هنگام نقد و سنجش، رعایت انصاف علمی در تحقیق و متن را به مثابه متن کاویدن نه از زاویه پیش‌فرض‌های جانبدارانه یا کارشکنانه به متن نگریستن، رعایت جانب احتیاط و لازمه کاربست تفکر انتقادی نسبت به آثار گذشتگان و مستشرقان و هوشیاری محقق در گرفتار نشدن در دامی که افراد در تحمیل جهان‌بینی‌ها و دیدگاه‌های ایدئولوژیک و گرایش‌های سیاسی خود به متن - بویژه در ساحت‌های تاریخ، تاریخ عقاید، تصوف و فلسفه و کلام - گسترده‌اند، عمده‌ترین دغدغه‌ها و حساسیت‌های زرین کوب در این‌گونه یادداشت‌هاست. تأمل در موارد مذکور، خواننده را بر آن می‌دارد که به جای «مقدمه» و تلقی رایج کم‌اهمیت بودن آن نزد هم‌عصران، گویا با «متن» یا «بحثی» پژوهشی روبروست که رسالتش تنها آموزش روش تحقیق و بیان معیارها، فنون و آفت‌های «تحقیق درست» است.

نمودار بسامدی بخش (۲. ۴).



۲. ۵. اطلاعات کتاب‌شناسی مندرج در مقدمات که ارتباط مستقیمی با موضوع مورد بحث دارد:

با تأمل در مقدمات آثار زرین کوب، به کرات به اطلاعات پراکنده و در عین حال بسیار جذاب و دسته اولی برمی‌خوریم که به دانش کتاب‌شناسی مخاطب در موضوع مورد نظر می‌افزاید و بُعد دیگری از شخصیت پژوهشی و دغدغه‌های فرهنگی وی را آشکار می‌کند و گویا مقصود ایشان از ارائه چنین اطلاعاتی این بوده که مخاطب وی از جزئی‌ترین و چه بسا پیش‌پافتاده‌ترین موارد مربوط به پژوهش مورد نظر غافل نباشد و فاصله «افق انتظار» خواننده با نویسنده به کم‌ترین و کوتاه‌ترین حد خود برسد. اینک بیان نمونه‌ها:

۱. از مقدمه «بحر در کوزه» برمی‌آید که ترتیب تألیف نقد و شروح زرین کوب در مثنوی، ابتدا کتاب «بحر در کوزه» بوده است؛ سپس «نردبان آسمان» - که هر دو این کتاب از خلاف آمد عادت مفقود شد - و در ردیف سوم، کتاب «سر لانی» که زودتر از آن دو اثر دیگر منتشر شد (۶).

۲. نام اصلی «بحر در کوزه» پیش از مفقود شدن، «مقدمه‌ای بر مثنوی» بوده است (۶)؛ همچنانکه نام اولیه کتب «از گذشته ادبی ایران»، «دو قرن سکوت» (پ) و «با کاروان اندیشه»، «آشنایی با فرهنگ جهانی» بوده است (۷).

۳. کتاب «فرار از مدرسه»، اولین تألیف از طرح سه گانی زرین کوب است (غزالی، عطار و مولوی) که به تشریح پیدایش و توسعه تصوف ایرانی و جنبه‌های سه گانه آن: اندیشه، احساس و زندگی می‌پردازد. (ده) تدوین «فرار از مدرسه» در دانشگاه لوس آنجلس پایان یافته است (یازده).

۴. هسته اصلی کتاب «ارزش میراث صوفیه» را چاپ بخشی از یادداشت‌های نویسنده در مجله یغما تشکیل می‌داده است (۱).

۵. قول زرین کوب برای ادامه نگارش و تکمیل مباحث مربوط به تصوف در «جستجویی دیگر» و «بزودی»؛ البته «اگر از عمر، فرصتی و از بخشنده عمر، توفیقی دست‌دهد» (همان، ۱۳۶۹ د: ۸).

۶. نگارش کتاب «تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن»، حاصل سخنرانی‌های ایشان در دانشگاه‌های پرینستون و کالیفرنیا در سال‌های ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ بوده است (۱۵).

۷. کتاب «شعله طور» محصول مجموعه نو یافته اسناد خود زرین کوب بوده که به تازگی در میان ورق‌پاره‌های ایشان کشف شده است (۸).

۸. کتاب «سرنی» ابتدا قرار بوده به پیشنهاد ناشری خارجی برای اتمام و تکمیل کار نیکلسون فراهم آید؛ اما مؤلف به جهات عدیده ترجیح داده که کتاب به زبان فارسی تألیف شود تا فایده آن، اول به خواننده فارسی زبان برگردد (۷). به زعم زرین کوب، فرانسویان، نویسندگان خوب زیاد دارند و وی خواسته است برای هموطنان خود بنویسد (اتحاد، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۱۵).

۹. کتاب «از گذشته ادبی ایران»، حاصل مسافرت‌های درمانی و تحقیقی بوده است (ث).

۱۰. تألیف کتاب «بامداد اسلام» به اصرار و جذبۀ شوق برادر از دست‌رفته مؤلف، یعنی «خلیل زرین کوب» بوده است؛ برادری که نویسنده در مقدمه از وی با تکریم یاد کرده و کتاب را به وی تقدیم کرده است (۷): «یادت به خیر خلیل عزیز! بامداد اسلام را برای تو نوشتم» (دهباشی، ۱۳۸۰: ۲۵۸).

۱۱. ترجمۀ کتاب «ادبیات فرانسه در قرون وسطی و رنسانس»، حاصل دوران دانشجویی زرین کوب در دوره لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بوده است (۵).

۱۲. تدوین کتاب «شعر بی دروغ، شعر بی نقاب»، حاصل گفت‌وگوهای نویسنده با دانشجویانش در موضوعات مربوط به نقد شعر، ادب عربی، ادب یونان و شعر نو بوده است (۵).

۱۳. جوهر و طرح اولیه کتاب «دو قرن سکوت»، یادداشت‌هایی بوده که نویسنده برای پاورقی یک روزنامه نوشته است (۱۳۳۰: د).

۱۴. طرح اولیه کتاب «تاریخ در ترازو» در طی یک سخنرانی برای دانشجویان دانشگاه مشهد پایه‌ریزی شد و دوست «علامه فقید» زرین کوب، یعنی «علی اکبر فیاض» خواستار تفصیل و بسط بیشتر آن شد (۳).

۱۵. از معدود کتبی که زرین کوب، آنها را به شخص یا اشخاصی اهدا کرده است؛ یکی کتاب «شعر بی دروغ، شعر بی نقاب» است که آن را به «جوانان دانشجویی» تقدیم کرده که ذوق و شور آنها، دروازه‌های روشن‌تر و چشم‌اندازهای دلپذیرتر را بر روی ادبیات ما خواهند گشود (۱۵). دوم کتاب «تاریخ ایران بعد از اسلام» که به «دوستان حقیقت، انسانیت و ایران» تقدیم شده است (۹). سوم کتاب «بامداد اسلام» تقدیمی به خلیل زرین کوب (۷) و چهارم تقدیم مقاله «دُن کیخوته» به محمد قاضی که در کار خویش یگانه عصر ما بوده است (زرین کوب، ۱۳۷۴ ز: ۶۱۰).

تأمل در اطلاعات کتاب‌شناسی مقدمات زرین کوب، خواننده را بیشتر با دیگر وجوه دانش و شخصیت او آشنای کند. از جمله:

الف) تغییر ذائقه و ذوق ادبی نویسنده در نامگذاری عناوین برخی کتاب‌ها، چنانکه در ردیف شماره یک می‌بینیم. این تغییر عناوین، می‌تواند نشان پختگی و کمال اندیشه نویسنده یا تغییر در سنجه‌های شناختی وی باشد.

ب) نظم و ترتیب ذهنی زرین کوب و رعایت تقدّم و ترتیب تاریخی شاعران و نویسندگان حتی در پژوهش، به گونه‌ای که تألیف «فرار از مدرسه» مقدّم بر آثار مربوط به عطار و مولوی بوده است.

پ) اینکه زرین کوب تألیف کتاب «شعله طور» را با وجود یادداشت‌های فراوان به تعویق انداخته و در اواخر زندگی (چاپ اول: ۱۳۷۷) و درست یکسال قبل از وفات، نگاشته است، جای تأمل فراوان دارد؛ بویژه اگر بدانیم که وی از کودکی به حلاج و جست‌وجو درباره او علاقه داشته است (همو، ۱۳۷۷: ۹). تعمّق در مقدمه کتاب، تا حدّ زیادی این ابهام را برطرف می‌کند و اینکه از دیدگاه نویسنده، مآخذ معتبر و متقنی درباره حلاج وجود ندارد و تصاویر به‌جا مانده از وی، اغلب با «شبهه و شایبه» همراه است. (همان) این شکیبایی نویسنده و اتخاذ روش «قصه‌مانند» در نگارش، یقیناً برای دانش‌آموختگان امروز درسی بزرگ به همراه دارد.

ت) دغدغه زبان فارسی و حس نوع دوستی نسبت به مخاطبان زبان فارسی، نکته دیگری است که در تدوین کتاب «سرّ نی» به زبان فارسی - علی رغم پیشنهاد ناشر خارجی - به چشم می خورد.

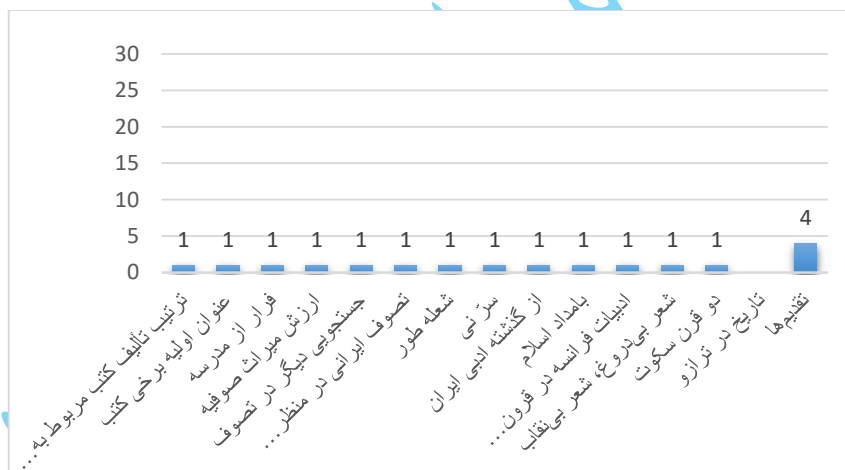
ث) زرین کوب حتی در مسافرت های درمانی هم از تحقیق و تتبع و اشتغال مداوم به مطالعه به دور نبوده، چنانکه تألیف «از گذشته ادبی ایران» نشان می دهد.

ج) دغدغه دانش آموختن و طالب علمی از همان دوران دانشجویی (لیسانس)، در ترجمه کتاب «ادبیات فرانسه» در نویسنده وجود داشته است.

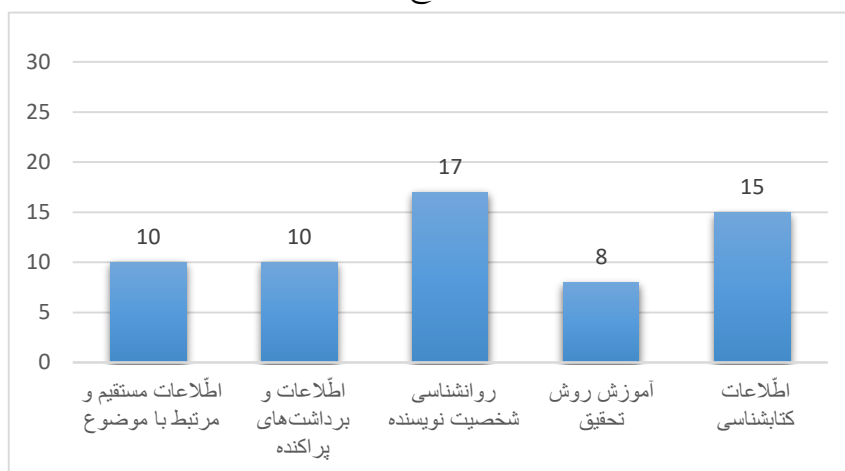
چ) گفت وگوهای علمی با دانشجویان، پاورقی در یک روزنامه و طرح یک سخنرانی هم اگر انگیزه و شوق دانستن وجود داشته باشد، قابلیت تبدیل به کتاب شدن دارد؛ چنانکه در شماره های ۱۲- ۱۴ می بینیم.

ح) سرانجام، تقدیم ها و اهدای برخی از کتب نیز قابل تأمل است. اگر «شعر بی دروغ، شعر بی نقاب» به «جوانان دانشجو» تقدیم شده، در جهت پرورش شور و خلاقیت علمی - ادبی آنان است و اگر «تاریخ ایران بعد از اسلام» به «دوستان حقیقت، انسانیت و ایران» اهدا شده، به طور ناخودآگاه، سه ضلع شخصیت نویسنده (=حقیقت جویی، انسانیت و ایران دوستی) را برای آیندگان برملا می کند.

نمودار بسامدی بخش (۲. ۵).



نمودار بسامدی اطلاعات مندرج در مقدمات آثار زرین کوب



نتیجه گیری:

در این پژوهش کوشیدیم که برای نخستین بار ضمن مطالعه و تحلیل مقدمه‌های تمام آثار زرین کوب، ذیل پنج عنوان کلی به اهمیت، کارکرد و ارزش‌های بی‌شمار این مقدمات اشاره کنیم تا به کارنامه روح و منظومه فکری ایشان بیشتر نزدیک شویم. این پنج حوزه عبارتند از:

۱. اطلاعات ادبی- علمی‌ای که ارتباط مستقیمی با موضوع مورد بحث دارند و کارکردشان این است که علاوه بر نمایاندن دغدغه نویسنده برای تشریح موضوع مورد بحث، به افق ذهنی مخاطب برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوع یاری برسانند.

۲. برداشتهای پراکنده‌ای که چندان ارتباط مستقیمی با موضوع مورد بحث ندارند؛ بلکه در سایر حوزه‌های علم و ادب و فرهنگ به سطح دانش و آگاهی مخاطب می‌افزایند و در عین حال، از وسعت دانش و دقت و تتبع نویسنده حکایت می‌کنند.

۳. اطلاعاتی درباره ویژگی‌ها و روان‌شناسی شخصیت نویسنده که فارغ از متن و بحث اصلی، چهره خود را آنچنان که هست می‌نمایاند و مخاطبان آثار خویش را در تجارب زیسته خود شریک می‌کند؛ از جمله: اشتغال مداوم به مطالعه و تحقیق، انگیزه تألیف و نگارش کتاب، خستگی‌ها و دل‌شکستگی‌ها، صداقت‌ها و شجاعت‌ها، شیفتگی به عارفان، عقلانیت و معنویت و آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های عصر بی‌حوصله و همراه با هول و شتاب. اطلاعات این بخش، بیشترین بسامد را در مقایسه با بخش‌های دیگر دارد و فراوانی داده‌ها در این قسمت، بیانگر این است که نویسنده خواسته‌است نمونه‌ای از فعالیت علمی و تجارب زیسته خود را در اختیار مشتاقان و خوانندگان آثار خود قرار دهد.

۴. آموزش مستقیم و غیرمستقیم روش تحقیق در حوزه‌های متنوع و متکثر ادبیات، نقد ادبی، تاریخ، تصوف، فلسفه و کلام اسلامی که بیانگر دغدغه‌ها و حساسیت‌ها و دقت‌های زرین کوب در امر تحقیق است.

۵. اطلاعات مربوط به کتاب‌شناسی که به دانش جنبی و عمومی مخاطب درباره موضوع مورد نظر می‌افزاید و خواننده را بیشتر با وجوه دانش، شخصیت و ظرافت‌ها و ظرفیت‌های نویسنده‌ی زرین کوب آشنا می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارزش، اهمیت و کارکرد مقدمات هر یک از آثار زرین کوب، کمتر از متن و بحث اصلی نیست و در واقع، این مقدمات، هر یک به مثابه آینه‌ای است که در آن می‌توان تصویر پژوهشگری جدی و متواضع و در

عین حال، نستوه و بارآده را مشاهده کرد که نه تنها به مقدمه به عنوان تصویری جنبی و حاشیه‌ای نمی‌نگرد؛ بلکه چکیده ذهن و اندیشه و شخصیت و روح خویش را در «مقدمات» به نمایش می‌گذارد تا به خواننده اثر خویش اطمینان بدهد که دیباچه بسامان، فرامتن است نه فرومتن.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عنوان این مقاله، برگرفته از کتاب «تاریخ در ترازو»ی زرین کوب است. ضمناً یادآور می‌شود که این نوشتار، بخشی از پژوهش بسیار گسترده‌تری است که نگارنده بر پایه اهمیت «مقدمات» کتب محققان معاصر (در حوزه زبان و ادبیات فارسی) در حال گردآوری و تدوین آن است و در آینده، در قالب کتاب، منتشر خواهد شد.
۲. پیرامتن از دید ژنت، حاصل جمع عناصر درون‌متن (عناوین، سرفصل‌ها، مقدمه‌ها و پی‌نوشت‌ها) و عناصر برون‌متن (مصاحبه‌ها، نقد و نظر منتقدان و...) است. برای اطلاع بیشتر در این زمینه بنگرید به مقاله صدیقی، ۱۴۰۰: ۲۲۰.
۳. برای اطلاع بیشتر از شروط هشت‌گانه تهانوی و به تعبیر خود او «رؤوس ثمانیه» ر.ک. سجادی، ۱۳۷۲: ۹.
۴. این تعبیر از نصرالله پورجوادی است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به مقاله «دیباچه؛ مجلس انس نویسنده و خواننده».
۵. یادآوری این نکته ضروری است که کتاب «نقش برآب» تنها نوشته‌ای است که بجز مقدمه، «مؤخره» هم دارد. زرین کوب در این مؤخره، درباره برخی از مقالاتی که در کتاب آمده- بویژه مقاله «نقش بر آب»- توضیحاتی داده است.

فهرست منابع:

الف) کتب:

- اتحاد، هوشنگ، (۱۳۸۷)، پژوهشگران معاصر ایران، تهران، فرهنگ معاصر.
- احمدی، بابک، (۱۳۷۸)، ساختار و تأویل متن، چ ۴، تهران، مرکز.
- دهباشی، علی، (۱۳۸۰)، در راه بازگشت (یادنامه عبدالحسین زرین کوب)، تهران، نشر به‌دید.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۴ الف)، آشنایی با نقد ادبی، چ ۳، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۷۷ الف)، ارزش میراث صوفیه، چ ۳، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۶۹ الف)، ارسطو و فن شعر، چ ۲، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۶۴)، از چیزهای دیگر، تهران، جاویدان.
- -----، (۱۳۷۴ ب)، از کوچه زندان، چ ۹، تهران، سخن.
- -----، (۱۳۷۵ الف)، از گذشته ادبی ایران، تهران، الهدی.
- -----، (۱۳۶۹ ب)، با کاروان اندیشه، چ ۲، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۷۴ ج)، با کاروان حله، چ ۹، تهران، علمی.
- -----، (۱۳۶۲)، بامداد اسلام، چ ۵، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۷۴ د)، بحر در کوزه، چ ۶، تهران، علمی.
- -----، (۱۳۶۹ ج)، پله پله تا ملاقات خدا، چ ۳۷، تهران، سخن.
- -----، (۱۳۷۲ الف)، پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد، چ ۲، تهران، سخن.

- (۱۳۷۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام، چ ۷، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۷۵ ب)، تاریخ در ترازو، چ ۴، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۸۴)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، چ ۹، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۸۵)، تصوّف ایرانی از منظر تاریخی آن، چ ۲، تهران، سخن.
- (۱۳۷۶ الف)، جستجو در تصوّف ایران، چ ۵، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۷۵ ج)، در قلمرو وجدان، چ ۲، تهران، سروش.
- (۱۳۷۴ ه)، دفتر آیام، چ ۳، تهران، علمی.
- (۱۳۶۹ د)، دنباله جستجو در تصوّف ایران، چ ۳، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۳۰)، دو قرن سکوت، تهران، جامعه لیسانسه‌های دانشسرای عالی.
- (۱۳۹۰)، دو قرن سکوت، چ ۲۴، تهران، سخن.
- (۱۳۷۴ و)، روزگاران ایران، تهران، سخن.
- (۱۳۷۵ د)، روزگاران دیگر، تهران، سخن.
- (۱۳۶۶)، سرنی، چ ۲، تهران، علمی.
- (۱۳۷۱)، سیری در شعر فارسی، چ ۳، تهران، علمی.
- (۱۳۷۲ ب)، شعری دروغ شعری نقاب، چ ۷، تهران، علمی.
- (۱۳۷۷ ب)، شعله طور، تهران، سخن.
- (۱۳۶۹ ه)، فرار از مدرسه، چ ۴، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۷۶ ب)، کارنامه اسلام، چ ۵، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۷۴ ز)، نقش بر آب، چ ۳، تهران، سخن.
- و قمرآریان، (۱۳۷۷)، از نی نامه، تهران، سخن.
- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۷۲)، دیباچه‌نگاری در ده قرن (از قرن چهارم تا چهاردهم هجری قمری)، تهران، زوآر.
- سولینه، وردن، (۱۳۵۷)، ادبیات فرانسه در قرون وسطی و رنسانس، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، چ ۲، تهران، امیرکبیر.
- شاله، فلیسین، (بی تا)، متافیزیک، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، بی نا، بی جا.
- شعبانی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، جهانی در خلوت تنهایی، تهران، زوآر.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳)، کلیات سبک‌شناسی، چ ۴ از ویراست دوم، تهران، میترا.
- مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۸۴)، شرح قصیده ترسائیّه خاقانی، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تبریز، سروش.

ب) مقالات:

- پورجوادی، نصرالله، (۱۳۶۵)، «دیباچه؛ مجلس انس نویسنده و خواننده»، نشر دانش، سال هفتم، شماره اول، صص ۲-۹.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، (۱۳۷۸)، «زرین کوب؛ فرهنگ‌شناس بزرگ ایران»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال دوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۲۴-۲۵.

- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۹)، «مردی با هزاران هزار بهار»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال سوم، ش یازدهم، صص

- صدیقی، مصطفی، (۱۴۰۰)، «بوطیقای کلیله و دمنه: تحلیل ساز و کار حاکم بر مقدمه‌ها و متن کلیله و دمنه»، نقد و نظریه ادبی، سال ۶، دوره ۲، پیاپی ۱۲، صص ۲۱۵-۲۳۸.
- محمدخانی، علی اصغر، (۱۳۷۸)، «در غیاب پرسشگر»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال دوم، شماره ۲۳ و ۲۴، ۳-۱۱.

پذیرفته شده برای انتشار